



University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

<http://jor.ut.ac.ir>, Email: pajuhesh@ut.ac.ir

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 - 7092

Examining the Functions of Ecological Discourses in Joël Egloff's L'Étourdissement

Negar Mazari¹ 0000-0002-8622-5598 Fatemeh Moti² 0009-0001-1326-5409 Zahra Esmaili Khoshmardan³ 0000-0002-7772-6905

1. Department of French Language and Literature, Faculty of Letters, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email : Negarmazari@um.ac.ir
2. Department of French Language and Literature, Faculty of Letters, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email : Fatima.moti.1991@gmail.com
3. Department of French Language and Literature, Faculty of Letters, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: zahra.esmaeili@mail.um.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 01 June 2021

Received in revised form: 20
November 2021

Accepted: 05 December 2021

Published online: 01 August
2023

Keywords:

ecocriticism, ecological
discourse, ecopoetics,
zoopoetics, Fairclough

ABSTRACT

The environment is an active element in environmental literature, serving as a reminder of ancient patterns and human historical memory. Unlike ecocritical criticism, which is a specialized field in literature, ecopoetic criticism has been integrated with such sciences as linguistics, zoology, sociology, anthropology, etc., and has opened up new dimensions in literary studies. The study of the relationship between humans and the environment has led to much attention to the role of humans in increasing or decreasing environmental damage. This reflection resulted in the emergence of new discourses in literature aimed at preserving the environment. Sub-branches of ecocritical criticism, such as environmental linguistics, have focused on language as a social behavior with cultural, identity, social class, and gender factors. They have expanded social discourse and changed human attitudes and behaviors towards the environment. The zoopoetics discourse has focused on animal imagery in literary texts and human/animal interactions. The ecocriticism discourse has repeatedly revealed new meanings in eco-centered discourses by expressing the role of technology in environmental destruction and revival. Egloff in *L'Étourdissement* uses images related to pollution and animal slaughter to refer to the role of humans and modernity in environmental destruction. This paper examines the function of eco-centered discourses in reflecting the ideology of the society by relying on ecocritical criticism and critical discourse analysis. Results show the generation of risk discourses against the weakness of environmental protection discourses. *L'Étourdissement* provides a space for the formation of new discourses aimed at promoting environmental culture.

Cite this article: Mazari, Negar ; Moti, Fatemeh & Esmaili khoshmardan, Zahra. "Examining Functions of Ecological Discourses in Joël Egloff's *L'Étourdissement*". *Research in Contemporary World Literature* .18(1), 163-187. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.324937.2165>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.324937.2165>



بررسی کارکرد گفتمانهای بوم‌محور در رمان منگی نوشته‌ی ژوئل اگلوب

نگار مزاری^۱، فاطمه مطیع^۲، زهرا اسماعیلی خوشمردان^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Negarmazari@um.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان فرانسه دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Fatima.moti.1991@gmail.com

۳. گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه سوربن نوول-پاریس ۳، پاریس، فرانسه. رایانامه: zahra.esmaeili-khoshmardan@sorbonne-nouvelle.fr

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>گفتمان بوم‌محور، نقد بوم‌گرا، اکوپوتیک، زوپوتیک، فرکلاف.</p>	<p>محیط‌زیست به عنوان عنصری کنش‌مند در ادبیات زیست‌محیطی مشاهده می‌گردد و یادآور کهن‌الگوها و حافظه تاریخی انسانها می‌باشد، انسان خود جزئی جدایی‌ناپذیر از یک زیست‌محیط طبیعی است. بر خلاف نقد اکوپوتیک که تبدیل به رشته‌ای تخصصی در ادبیات شد، نقد اکوپوتیک با سایر علوم نظیر زیست‌شناسی، جانورشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی و غیره آمیخته شد و ابعاد جدیدی در مطالعات ادبی گشود. بررسی رابطه انسان و محیط‌زیست باعث شد تا به نقش انسان در افزایش و یا کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی توجه بسیاری شود. بازتاب این امر در حوزه ادبی موجب ظهور گفتمانهای جدیدی در جهت حفظ محیط‌زیست شد. زیر شاخه‌های نقد بوم‌گرا نظیر زیست‌شناسی زیست‌محیطی، به زبان به شکل عمل و رفتار اجتماعی با متغیرهای فرهنگ، هویت، طبقه اجتماعی، جنسیت و بسط گفتمانهای اجتماعی پرداخت و سبب تغییر نگرش و رفتار انسان‌ها نسبت به محیط‌زیست شد. گفتمان زوپوتیک به تصاویر ادبی حیوان در متون ادبی و تعامل انسان/حیوان توجه نشان داد و گفتمان اکومدرنیسم با بیان نقش فناوری در تخریب و احیای محیط‌زیست، بارهای معنایی جدیدی در گفتمانهای بوم‌محور آشکار نمود. اگلوب در منگی، با استفاده از تصاویر مربوط به آلودگی و کشتار حیوانات به نقش انسان و مدرنیته در تخریب محیط‌زیست اشاره دارد. ما با تکیه بر نقد بوم‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، کارکرد گفتمانهای بوم‌محور در بازتاب ایدئولوژی جامعه را بررسی خواهیم کرد. نتایج نشان از تولید گفتمان مخاطره در برابر ضعف گفتمان حفاظت از محیط‌زیست دارد. منگی بستری برای شکل‌گیری گفتمانهای جدید در جهت بسط نگاه انتقادی و ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی است.</p>

استناد: مزاری، نگار؛ مطیع، فاطمه و اسماعیلی خوشمردان، زهرا. "بررسی کارکرد گفتمانهای بوم‌محور در رمان منگی نوشته‌ی ژوئل اگلوب". پژوهش ادبیات معاصر جهان،

۱۴۰۲، ۱۸ (۱)، ۱۸۷-۱۶۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.324937.2165>



مقدمه

جوامع بشری در فرآیند توسعه، به سمت صنعتی شدن روی آوردند که تأثیر مستقیم بر تعامل انسان و طبیعت داشت. رشد و صنعتی شدن جوامع، بر کیفیت محیط زیست تأثیر منفی داشت و موجبات آسیب‌های زیست محیطی و از بین رفتن اکوسیستم طبیعی را فراهم آورد. در عصر حاضر، بحران محیط زیست موضوع قابل تاملی است که توجه رویکردهای غالب را در علوم منابع طبیعی، ادبیات، زبان‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، علوم ارتباطات، مهندسی زیست محیطی... به خود جلب کرده است. روند سریع و روزافزون رشد تکنولوژی در جهت ارتقای کیفیت زندگی در خدمت بشر قرار گرفت، اما موجب آلودگی‌های گوناگون در محیط زیست شد و با برهم زدن تعادل حیات، جهان هستی به مخاطره افتاد. آسیب‌های وارده به محیط زیست، انسان متمدن را آگاه به وضعیت نگران‌کننده پیش رو کرد و او را وادار به تغییر نگرش در عملکرد خود ساخت.

در علوم انسانی، زبان و ادبیات می‌توانند نقش ارزنده‌ای در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی انسان در قبال محیط زیست ایفا نمایند. متون ادبی می‌توانند نمایانگر عملکرد نادرست انسان در مقابل طبیعت باشند و به اصلاح این رفتارها کمک نمایند. گرچه مضمون طبیعت از دیرباز در ادبیات جهانی در پیوند با انسان دیده می‌شود اما در قرن حاضر دغدغه‌ی توسعه‌ی پایدار محیط زیست مضامین جدیدی را در حوزه ادبیات زیست محیطی وارد کرد که چنان در تاروپود آثار تنیده شده که هویت ادبی پیدا کرده است. محیط زیست طبیعی در این آثار کنش‌مند است و در صورت حذف آن، پی‌رنگ رمان از هم می‌پاشد. در ادبیات جهانی بخش مهمی از متون ادبی به مضامین زیست محیطی اختصاص یافته است. یکی از این آثار در ادبیات فرانسه رمان منگی^۱/ اثر ژوئل اگلو^۲ (۱۳۹۷)، نویسنده‌ی معاصر فرانسوی است که جایزه لیورانتر^۳ را برای این رمان از آن خود کرده است، این اثر به تعامل انسان با محیط زیست پرداخته و دغدغه‌های زیست محیطی را با گفتمان زیست‌محور بازتاب داده است. در این پژوهش با تکیه بر نظریه‌های ارائه شده در زمینه‌ی نقد بوم‌گرا (نقد زیست محیطی) و طبق الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف با خوانش انتقادی رمان منگی به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد: کارکرد سطوح زبانی در بازتاب گفتمان‌های بوم‌محور در این اثر چیست؟ واژگان چه نقشی در بازتاب ایدئولوژی جامعه در جهت ارتقاء مسئولیت‌پذیری نسل آینده در حراست پایدار محیط زیست دارند؟ آیا گفتمان متن هم راستا با گفتمان موجود در بافت جامعه اثر است؟

^۱ *L'Etourdissement* (1970)

^۲ Joel Egloff

^۳ Livre Inter

در ادبیات بوم‌گرا، نگرش به سمت تحول و ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی است، اما این افزایش احساس مسئولیت گاه با تصاویر آخرالزمانی و گاه با تصاویر مثبت ارتباط ادراکی انسان و هماهنگی او با طبیعت به تصویر کشیده می‌شود. در متون ادبی، ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی با تکیه بر اهمیت رابطه‌ی انسان و محیط‌زیست شکل می‌گیرد، همچنین این امر با یادآوری اهمیت حفاظت از محیط زیست و نقش انسان در مهار مشکلات زیست‌محیطی بارز می‌شود. ادبیات می‌تواند در ارتقای فرهنگ حفظ و حراست محیط‌زیست یک جامعه یا جهان بشری نقش مؤثری ایفا نماید.

یکی از زیرشاخه‌های نقد بوم‌گرا، زبان‌شناسی زیست‌محیطی است که این امکان را فراهم می‌سازد تا با مطالعه‌ی رابطه‌ی معنایی بین واژگان، نقش زبان را در رشد فرهنگ حراست از محیط‌زیست مطالعه نماییم. این نظرات هم راستا با نظریه‌ی نورمن فرکلاف^۱ زبان‌شناس برجسته در زمینه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی است. او بر این باور است که هر عنصر گفتمانی از سه بعد تشکیل شده است: زبان یا متن، کردار گفتمانی یا کاربرد زبان و کردار اجتماعی. در نتیجه چنانچه ایدئولوژی را حاصل استعاره‌های ساختاریافته‌ای بدانیم که بیانگر آرمانهای یک گروه است؛ می‌توان گفت که هر محصول ادبی خواسته یا ناخواسته بیانگر اندیشه و دارای بار ایدئولوژیک پنهان است (فرکلاف ۱۹۹۲، ۴).

پژوهشگران در حوزه‌ی ادبیات زیست‌محیطی، به نقش ادبیات در انعکاس رابطه‌ی انسان و محیط زیست و بحران‌های زیست‌محیطی از زوایای متفاوتی توجه نشان داده اند به عنوان مثال مقاله‌ی «ادبیات و اکولوژی: مسیری به سوی اکوپوئتیک» (بلان و همکاران) با تکیه بر ابعاد نقد بوم‌گرا به میزان تاثیر عوامل زیست‌محیطی بر متون ادبی می‌پردازد و با پرسش در رابطه‌ی هنر و طبیعت، نقش تخیل خلاق را در راهکارهای فرهنگی و اجتماعی در حل بحرانهای زیست‌محیطی مطرح می‌کند. در پژوهش دیگری با عنوان «چشم انداز اکوپوئتیک در متون ادبی معاصر کبک» (دفرای) نویسنده با تکیه بر نقداکوپوئتیک^۲ به نقش گفتمان حاکم در متون ادبی کبک در طرح مسائل و مشکلات زیست‌محیطی می‌پردازد. همچنین پژوهشی با عنوان «بررسی زیست‌جهان در آثار ناتالیا گینزبورگ با تکیه بر آرای یورگن» (منیری و حسینی) با مطالعه ساختارهای زیست‌جهان در آثار گینزبورگ به نقش فرهنگ در نجات انسانها از استثمار اشاره دارد. پژوهشی با عنوان «چشم انداز، رئالیسم علم گرایانه و تغییرات اقلیمی در رمان خورشیدی» (مرندی و همکاران) دیدگاه منجی بودن علم را در نجات محیط‌زیست به چالش می‌کشد. پژوهش‌هایی نیز به تصاویر حیوانات در ادبیات توجه نشان داده‌اند، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی شازده کوچولو و قلعه حیوانات بر اساس الگوی جامعه شناختی کلود

^۱ Fairclough

^۲ Ecopoétique

دوشه» پژوهشگران در قسمت تحلیل به نقش حیوانات در آثار ادبی از منظر اجتماعی و تمثیلی توجه نشان داده‌اند (حجازی و مشگینی). آن سیمون^۱ در مطالعات بسیاری مبحث زوپوئتیک^۲ بوطیقای جانوری را مطرح می‌کند و به نقش زوپوئتیک در پیوند ادبیات و فلسفه اشاره دارد و بر این اعتقاد است که بررسی این پیوند می‌تواند منجر به روش‌شناسی نوین در مطالعات ادبی گردد (سیمون). همچنین در پژوهشی با عنوان *زوپوئتیک، نقش حیوان در ادبیات مدرن فرانسه* (بنهایم و سیمون) پژوهشگران با تکیه بر گفتمان نوظهور زوپوئتیک در ادبیات معاصر فرانسه، به بررسی تصاویر ادبی حیوانات در ادبیات فرانسه و جنبه‌های زبانشناسی و نحوه روایت آثار ادبی معاصر در بارز نمودن تعامل انسان/حیوان در محیط زیست می‌پردازند. ژوئل اگلوب از جمله نویسندگان نسل جدید ادبیات فرانسه است، برخی از منتقدان ادبی، اگلوب را کافکای ادبیات فرانسه نامیده‌اند، با این وجود در جستجوهای ما، تاکنون پژوهشی جدی بر روی اثر منگی مشاهده نشده‌است.

در این پژوهش ما برآنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که کاربرد واژگان در سازمان‌دهی گفتمان بوم‌محور این اثر چیست؟ گفتمان غالب این اثر چه گفتمانی است و آیا گفتمان متضادی با گفتمان غالب دیده می‌شود؟ ما با بهره از نقد بوم‌گرا و نظریه فرکلاف به نقش زبان در بازنمود اشکال بحران زیست‌محیطی در این رمان می‌پردازیم و نقش سطوح زبانی را در بازنمود تعامل انسان با محیط‌زیست و چالش‌های پیش رو را بررسی خواهیم کرد. نوآوری این پژوهش در بازنمود نقش سطوح زبانی و نوع انسجام واژگانی در اشکال حضور سوژه دردمدار رمان منگی در جهان‌هستی آسیب دیده با بهره از نقد اکوپوئتیک و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف می‌باشد.

فرضیه‌ی نگارندگان در این پژوهش این است که واژگان در این رمان، فضای بحران محیط‌زیست و آینده حیات بشری را که در معرض خطر نابودی است، به تصویر می‌کشند و انسجام واژگانی، گفتمان مخاطره را می‌سازد. این گفتمان، گفتمان غالب رمان است که با نشان دادن تبعات رشد نظام سرمایه‌داری و بهره‌برداری بی‌رویه بشر از منابع طبیعی، انحطاط محیط‌زیست را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که ادبیات رسالت حفاظت از محیط زیست را با ترسیم فضای آخرالزمانی بر عهده گرفته‌است. اما در مقابل گفتمان مخاطره، پیوند انسان با طبیعت و گفتمان صلح و دوستی با مادر زمین، حیوانات و گیاهان نیز در این اثر دیده می‌شود که ضرورت حفظ منابع طبیعی برای نسل آینده را یادآوری می‌نماید.

¹ Anne Simone

² Zoopoétique

مطالعه با بهره از نظریه فرکلاف به دریافت گفتمانهای موجود در اثر مورد مطالعه در این پژوهش کمک خواهد کرد و صحت و سقم فرضیه بررسی خواهد شد.

نقد بوم‌گرا پاسخ دیرنگام علوم انسانی به ضرورت توجه به مسائل زیست‌محیطی در دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ (پارساپور ۹۸) بود. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ توسط ویلیام روکرت^۱ در مقاله معروف «ادبیات و بوم‌شناسی: آزمایشی در نقد بوم‌گرا» (روکرت) مورد استفاده قرار گرفت. این نقد با دغدغه‌های محیط‌زیستی به بررسی رابطه‌ی انسان و طبیعت می‌پردازد و در پی آن است تا بازتاب مسائل و مشکلات زیست‌محیطی را در آثار ادبی نشان دهد. تلفیق نظریه‌های این نقد با دیگر زمینه‌های علوم انسانی باعث شده‌است تا زمینه‌ی مطالعاتی نقد اکوپوئیتیک بسیار گسترده شود. برای نمونه یکی از زیرشاخه‌های این نقد، شاخه‌ای به نام زبان‌شناسی زیست‌محیطی است که درصدد نمایاندن نقش مؤثر زبان و واژگان در توجه به حفظ و یا آسیب‌های محیط‌زیست می‌باشد. از نظر ساپیر^۲: واژگان یک زبان منعکس‌کننده‌ی محیط اجتماعی و فیزیکی سخنگویان آن زبان است. واژگان می‌توانند به‌مثابه فهرستی از ایده‌ها و علایق و دغدغه‌های افراد آن جامعه باشند و تا حد زیادی نقش بارز نمودن مشخصه‌های فیزیکی محیط و ویژگی‌های فرهنگ مردم آن جامعه را به عهده دارند (سایپر).

لارنس بوئل^۳، نظریه پرداز در حوزه‌ی نقد بوم‌گرا، برای کمک به شناسایی ادبیات بوم‌گرا، خصوصیات متن زیست‌محیطی را این‌گونه برمی‌شمارد: «۱. محیط غیرانسانی به‌عنوان یک کنشگر در رمان مطرح می‌شود و نه تنها به‌عنوان یک چارچوب برای تجربه بشر؛ ۲. ادبیات زیست‌محیطی به حقوق تمام موجودات زنده توجه دارد؛ ۳. مسئولیت زیست‌محیطی بخشی از گرایش اخلاق زیست‌محیطی متن است؛ ۴. متن، طبیعت و مضامین محیط‌زیست را به‌عنوان فرآیند و نه فقط به‌عنوان یک چارچوب ثابت فعالیت انسانی مطرح می‌کند» (بوئل ۷۷).

در راستای پیشرفت مطالعات نقد مضمونی و ژنوپوئیتیک^۴، پیر شونچه^۵، نظریه پرداز نقد اکوپوئیتیک به سوژه تن‌دار و نقش و اهمیت نوع رابطه‌ی ادراکی انسان با طبیعت و محیط‌زیست توجه دارد و بر اهمیت مطالعه‌ی فضا و مکان در مطالعات زیست‌محیطی تاکید دارد (شونچه) نقد زیست‌محیطی به ما اجازه می‌دهد تا الگوهای اخلاق زیست‌محیطی را در یک جامعه مورد مطالعه قراردهیم. نقد

^۱ Rueckert

^۲ Sapir

^۳ Buell, Lawrence

^۴ Géopoétique

^۵ Pierre Schoentjes

زیست‌محیطی ادبی، مرکز ثقل قلمروی ترکیب یافته از هم‌نشستی طبیعت، محیط زیست، انسان و تاریخ طبیعی است. (شونچه ۲۰۲۰، ۱۸).

بر اساس رهیافت‌های متعدد، تعاریف متعددی نیز از گفتمان^۱ در بسترهای متفاوت (زبان‌شناسی یا جامعه‌شناسی) دیده می‌شود. گفتمان عبارت از شیوه‌ی خاصی از صحبت کردن درباره‌ی جهان (یا درباره‌ی بخشی از جهان) و فهم آن است. تحلیل گفتمان^۲ نیز یک رهیافت بین‌رشته‌ای است که برای مطالعه و بررسی گفتمان‌های موجود در قلمروهای اجتماعی کاربرد دارد (قجری و نظری ۴۸).

تاکید فرکلاف، یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، بر این است که گفتمان در چارچوب بازتولید روابط اجتماعی می‌تواند در جهت طبیعی‌سازی یک ایدئولوژی حرکت کند، ویژگی‌های گفتمان بر اساس ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و گفتمانها نیز ساختارهای اجتماعی را بارز می‌سازند، زبان کارکرد اجتماعی دارد و کردار گفتمانی میانجی بین متن و کردار اجتماعی است (فرکلاف ۲۰۰۰، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰).

فرکلاف برای انجام تحلیل گفتمان، سه سطح از تحلیل را لازم می‌داند: سطح اول توصیف به بررسی دستور زبان، انسجام و واژگانی می‌پردازد و روابط معنایی آنها را مطالعه می‌کند. سطح دوم تفسیر که به بررسی متن از خلال محتویات درون متن و دانسته‌های شخصی تفسیرگر می‌پردازد. در این سطح مفسر با توجه به آنچه که در متن آمده و اطلاعات و دانش پیش‌زمینه‌ای خود، به بررسی متن می‌پردازد. در نهایت سطحی که رابطه‌ی میان گفتمان بررسی شده و بافت اجتماعی آن را آشکار می‌سازد سطح تبیین نام دارد. در این سطح تاثیرات متقابل میان گفتمانها و ساختارهای اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (فرکلاف ۱۹۹۲).

در این پژوهش، گفتمانهای زیست‌محور ابتدا از طریق رابطه‌ی معنایی واژگان، تاثیر انسجام و واژگانی بر تفکر و رفتار زیست‌محیطی در سطح توصیف بارز می‌شود، سپس در سطح تفسیر، گفتمانهای موجود در رمان منگی با اطلاعات فرامتن مقایسه و بررسی خواهد شد و در نهایت در سطح تبیین به رابطه‌ی میان این گفتمانها با بافت اجتماعی خواهیم پرداخت.

سیر تخریب محیط‌زیست، با روند توسعه‌ی صنعتی و نظام سرمایه‌داری ارتباط مستقیم دارد. نظام سرمایه‌داری با نگاهی استثمارگر و سودجویانه به انسان و منابع محیط‌زیست به عدالت زیست‌محیطی و انتقال منابع طبیعی به عنوان میراث بشری به نسل‌های آینده، بی‌توجه است. در کتاب منگی بحران

^۱ Discourse

^۲ Discourse Analysis

زیست‌محیطی از خلال واژه‌های فناوری مطرح می‌شود: «جای زندگی نبود که، **میدون‌های مغناطیسی**، وزوز دائم **ترانسفورماتورها**، نمی‌شد تحمل کرد، اینکه مجبوری همیشه مواظب کوچک‌ترین حرکت باشی، نمیتونی کش و قوس بیای، یا عطسه کنی» (اگلوب ۷۹) خطوط انتقال نیرو بر سلامت انسان، اثرات مضر دارند و نقش بسزایی در آلودگی محیط‌زیست ایفا می‌کنند. میدانهای الکتریکی و مغناطیسی تاثیر مخرب بر سلامت جسم و روان انسان دارند: «ولی ازش دلخور نیستیم، می‌دونم که اون تقصیری نداره، تقصیر این **خطوط فشار قویه** که درست از بالای خونه می‌گذرن، شب و روز جزج می‌کنن، نمی‌تونیم خوب بخوابیم، وقتی بیدار می‌شیم موهامون سیخ و ايساده و وسطشون جرقه‌های آبی پت‌پت می‌کنه، نمی‌شه شونه‌شون کرد، تازه یه **سردردی** هم داریم که آدم رو به گریه می‌ندازه. واسه همینه که گاهی وقت‌ها **عصبی** می‌شیم، طبیعیه» (۱۴).

وقتی که قهرمان داستان برای فرار از دیدن لاشه‌های حیوانات در کشتارگاه به فضای بیرون پناه می‌برد، شاهد هواپیماهایی است که باعث آلودگی هوا و آلودگی صوتی می‌شوند: «به **هواپیماهایی** نگاه می‌کنیم که درست بیخ گوشمون از رو باند شمالی بلند میشن و اون قدر با ارتفاع پایین از رو سرمون رد می‌شن که کافی یه دستمون رو داراز کنیم تا سیگارمون رو با ته موتورهایشون روشن کنیم» (۱۸).

زندگی صنعتی باعث کاهش قدرت شنوایی می‌شود و بر سلامت روح و روان انسانها نیز تاثیر منفی دارد، این آلودگی نشان از پیامدهای توسعه‌ی بی‌رویه بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم در زندگی مدرن شهری است: «صدای **هواپیما** نیست که اذیتمون می‌کنه، ما نیمه کریم، برامون قابل تحمله. ارتعاش‌ها و لرزیدن دیوارها هم نیست...» (۲۱).

استفاده از کلماتی همچون «بوی کارخانه‌های شیمیایی» (۲۳)، «هواپیما»، «خطوط فشار قوی»، «ایدئولوژی گفتمان توسعه‌ی صنعتی را در متن نمایان می‌سازند، ابزار زندگی مدرن در تضاد با طبیعت بکر قرار می‌گیرند و ایدئولوژی مصرف‌گرایی و آلودگی زیست‌محیطی را با تأکید بر «هوای آلوده» و «دود تیره» القا می‌کنند. طبیعت مورد استثمار قرار گرفته و پیامدهای بحران زیست‌محیطی اکنون متوجه تمام موجودات زنده است و هر نوع تلاش برای نجات بشر با حفظ محیط‌زیست گره‌خورده است: «دیگه نمی‌دونیم کجا زندگی می‌کنیم... دور خودمون می‌چرخیم و دست آخر بی‌خیال می‌شیم... منتظر می‌مونیم تا سرگیجه تموم بشه و حافظه‌مون برگرده» (۱۹). آلاینده‌های شیمیایی با تاثیر منفی بر حافظه، انسان را به سمت بحران هویت سوق می‌دهند: «هرچی جلوتر می‌رفتیم، کمتر می‌فهمیدیم کجا داریم میریم، کمتر می‌دونستیم کی هستیم. هر از گاه، یه نفرو تو راه از دست می‌دادیم که از زور

خستگی می‌افتاد و پوزه‌ش می‌خورد به قیر. ولی کسی وانمی‌ایستاد اون رو از زمین بلند کنه. حتی سرمونو بر نمی‌گردوندیم. می‌ترسیدیم اون یه ذره زوری هم که برامون مونده، از دست بدیم» (۳۳).

دخل و تصرف آگاهانه و مصرف بی‌رویه‌ی انسان از منابع طبیعی و آلودگی هوا و آب یا پسماندهای صنعتی کارخانه‌ها، نشان از ضربات سیستم سرمایه‌داری بر محیط‌زیست دارد. گفتمان مخاطره محیط‌زیست با توسعه‌ی صنعتی همراه شده، آیا دیدگاه احیای محیط‌زیست به یاری پیشرفت علم در منگی وجود دارد؟ گفتمان مثبتی در خصوص توسعه‌ی فناوری و بهره‌ از تکنولوژی در جهت احیای محیط‌زیست در منگی دیده نمی‌شود، گفتمان بارز می‌نماید که توسعه‌ی صنعتی در جامعه‌ی مدرن اجتناب‌ناپذیر است. کنش زبانی تأثیر منفی توسعه‌ی صنعتی بر محیط‌زیست را نشان می‌دهد، اما به بازیافت زباله‌ها، به روند اجتناب‌ناپذیر این توسعه و تلاش و مبارزه‌ی انسان برای کاهش زباله‌ها نیز اشاره شده‌است. در مطالعه‌ی روند توسعه‌ی صنعتی و تأثیر آن بر محیط‌زیست، اهمیت زباله‌ها به‌قدری است که در ادبیات آنگلو ساکسون به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های طبیعت‌نگاری^۱، از آن به‌عنوان ادبیات زباله^۲ یاد می‌شود. (شونچه، ۲۰۱۵، ۱۱۶) جامعه مصرف‌گرا، با معضل آلودگی محیط‌زیست از طریق زباله‌ها رو به رو است: «پای تابلوهای «ریختن زباله ممنوع»، اغلب درست همون جاست که آدم بهترین چیزها رو پیدا می‌کنه» (اگلوب ۵۰). زباله‌هایی که راوی می‌یابد نشان از زندگی مصرف‌گرای بشر دارد، از جمله: «لوازم خانگی»، «قوطی‌های رنگ»، «خرده‌ریزه‌ای کاشی‌کاری»، «برش‌های موکت»، «آینه‌جلو»، «لوله‌ی اگزوز»، «شمع»، «باطری»، «کاربراتور»، «تسمه‌پروانه»، «لاستیک»، «قالپاق»، «تلویزیون رنگی»، «تشک»، «یخچال»، «اجاق‌گاز»، «ظرف‌شویی»، «آب‌گرم‌کن» راوی، زباله‌های ره‌اشده در طبیعت را برمی‌شمارد و تأکید بر مصرف‌گرایی جامعه‌ی امروزی دارد. این آلاینده‌ها در زندگی مصرفی چنان محیط را پرکرده‌اند که در دنیای مدرن، اشیایی که ضروری نیستند جایی برای زیست بشر باقی نگذاشته‌اند: «همیشه مشکلم اینه که نمی‌تونم همه چی رو با خودم ببرم، حتی با چند بار رفت و برگشت، امکان نداره. مجبورم انتخاب کنم، بیخیال بعضی چیزها بشم، مجبورم به مادر بزرگ هم فکر کنم که دوباره الم شنگه راه می‌ندازه که براش **آشغال** می‌برم که همه‌ی این چیزها رو تلبار می‌کنم جلو خونه، زیرزمین، انبار، زیرپله‌ها و خلاصه هرجایی که هنوز می‌تونم یه خرده جا پیدا کنم» (۵۱).

¹ Nature Writing

² Waste Literature

نویسنده از هر موقعیت و مناسبتی بهره می‌برد تا پیامدهای مصرف‌گرایی و این آلاینده‌ها را بر زندگی انسان بنمایاند و نقش مضر توسعه‌ی صنعتی را در گفتمان بوم‌محور این رمان آشکار نماید. در ادبیات بوم‌محور نقش آلاینده‌های محیط‌زیست مانند: افزایش اشعه‌های مضر ناشی از سوراخ لایه‌ی ازن، پسماندهای شیمیایی کارخانه‌ها به عنوان زباله مضر در آلودگی آب دریاها، بحران آب، خشکسالی، سوانح طبیعی، آلودگی هوا، افزایش گازهای گلخانه‌ای، افزایش دمای زمین و تغییرات آب و هوا، نقش سموم مضر در آلودگی خاک و از بین رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی، به شکلی هشداردهنده بازتاب به چالش کشیده‌شدن بقاء همه موجودات و از جمله انسان است. در این ادبیات آینده‌ای به تصویر کشیده می‌شود که بسیار ترسناک و دل‌سردکننده است. سوپرشیکو^۱، نظریه‌پرداز نقد بوم‌گرا، بر این باور است که بشر با تخریب محیط‌زیست موجبات انقراض نسل خود را پدید می‌آورد: ادبیات زیست‌محیطی، جهان را به پایان خود نزدیک می‌بیند. جهان نابود می‌شود و گفتمان موجود در این ادبیات مطمئن از تکرار چرخه‌ی زندگی نمی‌باشد (سوپرشیکو ۲۱).

در منگی، حیوانات زنجیره جدایی‌ناپذیر محیط زیست محسوب می‌شوند و در این شبکه نابودی حیوانات، نابودی حیات بشر را به دنبال خواهد داشت. برای القای این پیوند ابتدا تمیزدادن انسان و حیوان مرده برای راوی داستان دشوار می‌شود: «با احتیاط می‌شینم، ولی اون پایین، رو به چیز سکندری می‌خورم، انگار یه کیسه‌ست، یا شاید هم یه **حیوون مرده**. با نوک پا فشارش میدم و بعد، یه کم محکم‌تر. یک هو چیزی مثل ناله می‌شنوم. تا دستگیرم می‌شه یه **آدمه** که اونجا دراز کشیده، از ترس داد می‌زنم» (اگلوب ۳۱). اگلوب به تدریج گفتمان مخاطره و فاصله اندک بین مرگ و زندگی را برجسته می‌سازد: «هنوز دارن وول می‌خورن ولی خیلی وقته گندیده‌ن، این ماهی‌های بورچ» (۴۸). تصاحب فضای گفتمانی با واژه‌های «وول خوردن»، نشان از زندگی و «گندیدگی» نشان از مرگ، تغییرات به وقوع پیوسته در محیط‌زیست را به شکل عدم و نیستی در دیدگاه نویسنده بازنمایی می‌نمایند و نسبت به اوضاع نابسامان آگاهی می‌دهد. «ریشه‌هام اینجاست. من همه فلزهای سنگین رو مک زدم، **رگ-هام پر جیوه‌ست، مخم پرسرب**. تو سیاهی برق می‌زنم، آبی می‌شاشم، **ریه‌هام تا خرخره پر شده**، مثل پاکت جاروبرقی [...] هنوز یادمه بچه که بودم، جفت‌پا می‌پریدم تو **چاله‌های روغن** و وسط **زباله‌های بیمارستانی** غلت می‌زدم» (۱۱). استفاده از فعل ماضی نقلی نشان از آسیب‌های محیط‌زیست دارد که در گذشته شروع شده و اینک پس آمد آن مورد نظر است و ما آن را درک و احساس می‌کنیم.

گفتمان مخاطره در رمان منگی بر آلودگی آب دریاها و بیماری گونه‌های حیوانی نیز اشاره دارد:

^۱ Suberchicot

آدم‌هایی رو می‌شناسم که میرن ماهیگیری... حتی طعمه هم نمی‌خواد... اگه چیزی نداری سر قلابت بزنی، باز مهم نیست... کافیه یه نخ ماهیگیری رو بندازی تو آب، بعد چند ثانیه، چوب پنبه قلاب حتما می‌ره پایین. این ماهی‌ها احمق‌تر از ماهی‌های جاهای دیگه نیستن، موضوع این نیست، تنها چیزی که اونا می‌خوان اینه که از آب بیاری شون بیرون، از اونجا خلاص شون کنی... از شر سوزش‌ها و خارش‌هاشون هم خلاص می‌شن... بعدش می‌تونن هرکاری دلت خواست باهاشون بکنی، ول شون کنی رو علف‌ها بمیرن یا سرشون رو بکوبی به یه سنگ، فقط برشون نگردونی رودخونه... خیلی از **بیماری‌های پوستی**، لکه‌های قرمز، **التهاب**. بعضی‌هاشون یه چیزی مثل کچلی دارن و **با لکه‌های بزرگی فلس‌هاشونو از دست داده‌ان**. گاهی وقت‌ها باله‌های زیادی، یا اینکه زگیل، تقریباً همه جا دسته‌دسته **تاول چرکی** و چشم‌های همه‌شون قرمز و خون گرفته. (۴۵-۴۶)

در این رمان واژه‌های مانند: «قبرستان»، «سیاهی ریه»، «آمونیاک کارخانه‌های شیمیایی»، «بیماری ماهی‌ها»، «حیوان مرده»، «زکام»، «بوی خون»، «صدای نعره»، «گزگز تن»، «گنبدگی»، تصویر مرگ را تداعی می‌کنند.

حتی اشیای بی‌ارزش و فرسوده در متن رمان، اشاره به زبانه‌هایی دارند که سلامت موجودات زنده را تهدید می‌کنند: «پیت و حلبی کهنه»، «بطری شکسته»، «هرجور آشغالی که دلت بخواد» (۱۰) آلودگی ناشی از توسعه‌ی صنعتی، فضای تخریب و مرگ را به تصویر می‌کشد، همچنین هم‌نشینی زباله با بیمارستان و تداعی فضای بیمارستان، اشاره به بیماری و آسیب‌های زیست‌محیطی دارد. عبارت‌های: «دودکش‌هایی که دود پس می‌دن»، «دکل‌های برق»، «ترانسفورماتورهای بزرگ برق»، «فلزهای سنگین»، «جیوه»، «سرب»، «زباله‌های بیمارستانی» (۱۱) یا «دود کارخانه‌ها»، «خطوط فشارقوی»، «سردردی هم داریم که آدم‌رو به گریه می‌ندازه»، «گاهی وقت‌ها عصبی میشم» (۱۴)، نشان از نقش زباله‌ها و زندگی صنعتی در تهدید حیات بشری دارد. گفتمان عدم و نیستی تنها به نشان دادن آسیب و تخریب‌های زیست‌محیطی محدود نمی‌شود بلکه زندگی توأم با درد و رنج و رو به فنا‌ی بشر را نیز به تصویر می‌کشد: «**محیط سالمی نیست** دیگه. **بچه‌ها رنگ پریده‌ان**، سالخورده‌ها پیرهای درست درمونی نیستن. آدم همیشه نمی‌تونه اونا رو از هم تشخیص بده» (۹).

در نگاه نویسنده، محیط‌زیست گنجینه‌ای است که با اثر مضر انواع آلاینده‌ها رو به نابودی است. در مقابل تاکید مستقیم بر نقش تخریبی انواع زباله، به بازیافت زباله گاه به طور غیرمستقیم نیز اشاره می‌شود: «اگه دست کم یه ذره درس خونده بودی، شاید امروز می‌تونستی یه شغل خوب تو مرکز بازیافت زباله گیر بیاری» (۱۱). گفتمان اکومدرنیسم، بر نقش مثبت دانش بشر در نجات محیط‌زیست تاکید دارد. در این جمله، نویسنده به طور غیرمستقیم اشاره به نقش بازیافت و رابطه آن با دانش بشر

دارد. کاهش زباله نجات محیط‌زیست را به دنبال دارد، بقاء موجودات زنده با سلامت محیط‌زیست گره خورده است.

نویسنده با بهره از ایجاد تصاویر متضاد و جای دادن زباله‌ها در میان طبیعت به اثرات تخریبی آلاینده‌ها اشاره مستقیم دارد: «همه گنج‌هایی که زیر درخت‌ها و بوته‌ها و کنار جاده پخش و پلان. **یه یخچاله که در نداره، یه کم اونورتر، یه اجاق گاز که دمر افتاده پای یه درخت، یه آب- گرمکن، اونجا وسط تمشک‌های جنگلی و یه ظرف شویی خوشگل استیل، میون گزنه‌ها»** (۵۰). رویارویی طبیعت و زباله، برجسته سازی تاثیر منفی مصرف‌گرایی است. سبک زندگی مدرن در تضاد با روح طبیعت است و فزونی کالاهای مادی در جامعه مصرفی منجر به ظهور روزافزون آلاینده‌های زیست‌محیطی شده است.

در سطح توصیف، شاهد هم‌نشینی واژگان متضادی هستیم که فضای تهدید کننده مرگ و نیستی برای انسان و طبیعت را بارز می‌نماید.

تغییرات اقلیمی و نقش واژگان در تولید گفتمان مخاطره از طریق افزایش دمای کره‌ی زمین، آب شدن یخ قطب‌ها، افزایش طوفانها دیده می‌شود. در منگی، داستان نه تنها با روایت تغییرات آب و هوایی آغاز می‌شود بلکه با تکیه بر این بحران به پایان می‌رسد. نویسنده با توصیف «هوایی همیشه گرم و گرفته»، «آسمانی خاکستری» و «تهی از خورشید» و مه‌ای به سنگینی بهمن که قدرت بینایی را از ساکنان منطقه می‌گیرد، توجه مخاطب را به تغییرات آب و هوایی احتمالی در آینده جلب می‌کند. مه از مؤلفه‌های پررنگ منگی است که بارها به آن اشاره می‌شود و وضعیت طاقت‌فرسایی را به تصویر می‌کشد: «وقتی مه می‌افته رو سرمون، تقریباً همون قدر می‌بینیم که زیر بهمن می‌شه دید. در واقع معجزه‌ست که زیر اون مه هنوز می‌تونیم یه تکونی بخوریم یا حتی نفس بکشیم» (۲۵).

در منگی، آمدن بهار که فصل احیای زمین است، هرگز قابل تشخیص نیست و حتی می‌توان گفت دیگر برای افراد اهمیتی ندارد، چراکه تمامی فصول مثل هم هستند و فقط یک فصل وجود دارد، فصلی با گرمایی خفه کننده. اگروف در خلال مکالمه‌ای طنز این وضعیت غم‌بار را پیش چشم مخاطب می‌آورد، یعنی زمانی که «بورچ» متوجه بوی تازه‌ای می‌شود که فضا را پر کرده است: «-بوی بدی می‌آد، نه؟- سه شنبه ست، بوی گند می‌آد. - نه، نه، اون نیست... بوی همیشگی نیست» (۲۳). به جای رایحه‌ی بهاری، «بوی زباله دونی»، «بوی لاستیک سوخته»، «بوی آمونیاک»، «بوی کارخانه‌های شیمیایی» عطر فضا را پر کرده و در نهایت «بورچ» این بو را به بهار نسبت می‌دهد؛ اما به نظر راوی این تصویری مسخره است زیرا هیچ نشانه‌ای از بهار پیدا نیست: «نه یه جوونه زیر گرد و غبار، نه صدای یه توکا»

(۲۴) و قطراتی که به بارانی ریز بهاری تعبیر می‌شود، در واقع بنزین هواپیمایی است که در هنگام بلند شدن بر روی سروصورتشان می‌پاشد.

شب سال نو میلادی، همواره شبی برفی را در ذهن تداعی می‌کند، اما در این داستان شبی است که نه تنها در آن خبری از برف نیست، بلکه هوایی است بسیار شرجی: «می‌دونی، می‌دونستم برف نمی‌باره. همین‌جوری می‌گفتم، واسه اینکه یه حال و هوایی درست کنم، واسه اینکه کریسمس رو جشن بگیریم، مثلاً» (۱۰۶) و شب سال نو تنها ناظر باران گرم و چربی هستیم که راوی آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «انگار نشستیم تو چاله‌ی تعویض روغن و قطره‌های درشت روغن می‌ریزه رو سرمون» (۱۰۶). شرایط اقلیمی به مرحله‌ی بحران رسیده است، گفتمان عواقب دهشتناک بی‌توجهی به آلودگی‌ها را نشان می‌دهد.

گفتمان زوپوتیک، نابودی حیوانات را پایان زندگی در هستی می‌بیند. تمام موجودات زنده حق زندگی دارند، اما انسان با خودخواهی تمام آنها را از موجودات دیگر گرفته‌است. ادبیات زیست‌محیطی به نوع تعامل و همزیستی انسان/حیوان توجه دارد و نقش حیوانات را در اکوسیستم، بارز می‌سازد. اخلاق زیست‌محیطی نیز بر حفظ حقوق حیوانات تاکید دارد. این حمایت‌ها در برابر آسیب‌هایی نظیر نابودی محیط زندگی حیوانات، کشتار بی‌رویه‌ی حیوانات برای استفاده از گوشت آنها، شرایط نامناسب نگهداری حیوانات، تحمیل درد و رنج به حیوانات در آزمایشگاه‌های علوم زیستی، عقیم‌سازی حیوانات، یا حیوان‌آزاری، توجه دستداران محیط زیست را به خود جلب کرده است. علم زوپوتیک^۱ سرنوشت انسان و گونه‌های حیوانی را به یکدیگر پیوند می‌زند (تلیر) در رمان منگی، کشتار بی‌رحمانه حیوانات به دست انسان، نشان از نابودی محیط‌زیست توسط انسانها دارد:

برای بار دوم تپانچه رو می‌ذاره رو کله‌ی حیوون و بلافاصله ماشه رو فشار میده. گاو از جا می‌پره، سرشو به شدت تکون می‌ده، ولی محکم سر جاش می‌مونه... گاو با چشم‌های از حدقه دراومده نگاهمون می‌کنه، لابد از دیدن این همه آدم که روش خم شده‌ان نگران، حق هم داره... واسه بار سوم می‌ذاردش رو پیشونی حیوون و ماشه رو فشار می‌ده... همین الان سر حیوون رو ببریم تموم شه بره پی کارش... صدای یه شلیک تازه بلند می‌شه و گاو یه نعره‌ی طولانی می‌کشه. ولی هنوز هم نفس آخرش نیست، فقط یه اعتراضه، یه سردرد که لابد ولش نمی‌کنه. (۶۷-۶۸)

در رمان بر حقوق حیوانات و تاثیر کشتار حیوانات بر روان انسان تاکید شده است: «واسه خوابیدن عجله‌ای ندارم چون تو خوابم، حیوون‌های بی‌سری هستن که گله‌گله سروکله شون پیدا می‌شه تا ازم

^۱ Zoopoétique

حساب پس بگیرن؛ و من زور می‌زنم به شون توضیح بدم که این وسط من هیچ کاره‌م، آدم تو زندگی همیشه کاری رو که دوست داره نمی‌کنه، این کارو من انتخاب نکرده‌ام، ولی فایده‌ای نداره، عین روز روشنه که از دستم دلخورن» (۲۱).

در منگی، راوی داستان در کشتارگاه کار می‌کند، در مثال‌های فوق شاهد بیماری مشترک یا اشاره به سردرد مشترک برای انسان و حیوان رو به مرگ بودیم، ما همراه قهرمان داستان هر لحظه شاهد صحنه‌هایی خشونت‌بار در کشتارگاه هستیم که به حیوانات تحمیل می‌شود: «روال عادی اینجا، یه سری داد و فریاده که تو رودخونه‌های خون غرق می‌شن، تکون‌های شدید و لرزیدن‌ها، چشم‌هایی که از کاسه در می‌آن، زبون‌هایی که آویزون می‌شن، بهمن‌های دل و روده، سرهایی که قل می‌خورن، گاوهایی که پوست‌شون مثل موز کنده می‌شه، خوک‌های رنگ پریده که نصف بیشترشون شقه شده و حیوون‌هایی که از پا آویزون شده‌ن، پشت سر هم می‌آن و هی کوچیک‌تر و کوچیک‌تر می‌شن و ما، صورت‌مون پر خون و چکمه‌هامون پر عرق، سخت کار می‌کنیم» (۱۵).

اگلوب در منگی با برجسته کردن موضوع کشتارگاه و توصیف بسیار از فضای خشن کشتارگاه، سعی بر نشان دادن اهمیت حقوق حیوانات دارد. وی با بیان واژگان و عباراتی نظیر «گاو با چشم‌های از حدقه بیرون اومده»، «گاو به نعره‌ی طولانی می‌کشه»، «دستگاه برش کله»، «رژه‌ی بزرگ لاشه‌ها»، «سروصدای حیوون‌ها»، «بوی خون» موقعیت و شرایط حیواناتی را ترسیم می‌کند که به طرز وحشیانه‌ای در کشتارگاه‌ها کشته می‌شوند؛ وی در پی آگاهی دادن به بشر است که فقط گوشت آماده‌ی طبخ را می‌بینند و هرگز به درد و رنج حیوانات در کشتارگاه، توجهی ندارد.

نقش زبان در روابط میان نسلی و تولید گفتمان عدالت زیست‌محیطی نیز قابل مطالعه است. آیا نسل جدید با آگاهی بیشتری نسبت به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، سعی در حفظ محیط‌زیست دارد؟ با توجه به اینکه نسل‌های مختلف، ارزش‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند، آیا زبان دو نسل پیوند متفاوتی را با محیط‌زیست به تصویر می‌کشد؟

راوی منگی به همراه مادر بزرگ خود زندگی می‌کند و مادر بزرگ از شخصیت‌های برجسته این اثر است. در این رمان گاه نسل جوان و گاه نسل گذشته را حامی و علاقه‌مند به طبیعت می‌یابیم؛ اما گفتمان متناقضی نیز در این دو نسل به چشم می‌خورد. در آرزوهای مادر بزرگ که به صورت شکوه و شکایت بیان می‌شود، از یکسو نوعی علاقه‌مندی به طبیعت وجود دارد: «شاید اگر یه خونه با یه باغچه‌ی کوچیک داشتیم، می‌تونستیم توش سرو خمره‌ای بکاریم [...] ، می‌تونستیم لباس زیرها رو پهن کنیم، مجبور نمی‌شدیم اونا رو خیس تمون کنیم، دائم زکام نمی‌گرفتیم، بدن مون این همه قارچ نمی‌داشت» (۱۴). او نگاهی مثبت به طبیعت دارد، حتی اگر این طبیعت عاری از هرگونه سبزی و

طراوت و زیبایی باشد. اما گاهی شاهد ناآگاهی و بی‌توجهی مادر بزرگ به حیات حیوانات هستیم. تنها مزیت کار در کشتارگاه دزدکی آوردن تکه‌هایی گوشت برای مادر بزرگ است که علاقه‌ی زیادی به گوشت تازه و لذیذ دارد و راوی می‌تواند از غرولندهای او برای مدتی آسوده باشد: «مامان بزرگ، آگه بلند می‌شی که این حرف‌ها رو بهم بگی، بهتره تو رختخواب بمونی. با همه‌ی این حرف‌ها، اون دل و روده‌های مفتکی رو که دو روز به بار می‌آرم رد نمی‌کنی!» (۱۴).

گرچه گاهی مادر بزرگ از بوی بد گوشت نیز سخن می‌گوید: «ولی گاهی وقت‌ها، باز به راهی پیدا می‌کنه واسه بدخلقی، مثلاً بهم می‌گه اینکه چیز خوبی نیست، به بویی می‌ده، دیشب هم که همین رو خوردیم» (۲۰).

راوی با آنکه در کشتارگاه کار می‌کند، به شدت از کار خود رنج می‌برد و مدام به دنبال راهی برای فرار از آن است:

دلم نمی‌خواد دقیقا از کاری حرف بزنم که کل روز، وسط این کابوس انجام می‌دم. دلم نمی‌خواد از روی کاری که می‌کنم درباره‌م قضاوت بشه. تازه، راستش، دیگه خودم هم نمی‌دونم دارم چی کار می‌کنم. خیلی وقته دارم این کارو چشم بسته انجام می‌دم. هرچی باشه، من که تا حالا آزارم به یه مگس هم نرسیده، همیشه اونا رو خیلی آروم تا دم پنجره همراهی کرده‌ام و حتی یه دونه‌شون رو هم له نکرده‌ام، نمی‌شه گفت تو رویای همچین کاری بودم. ولی آدم همیشه نمی‌تونه انتخاب کنه. به هر حال، باید از یه راهی شکم رو سیر کرد. (۱۶)

راوی برای ادامه زندگی خود ناچار است زندگی موجود دیگری را بگیرد و همواره وجدان او درگیر است: «اغلب وقتی تنها بر می‌گردم یا بعد جدا شدن از بورچ، می‌خورم به پست به عده پسرپچه که منتظرمان تا طرفم سنگ پرت کنن و بهم فحش بدن چون من تو کشتارگاه کار می‌کنم، حیوون‌ها رو می‌کشم، آدم پستی‌ام» (۲۰). نسل آینده این جامعه: «یه عده پسرپچه» در مقابل کشتار حیوانات بی‌تفاوت نیستند. رؤیای راوی نیز زیستن در دنیایی است که در آن هرروز ناظر و عامل مرگ صدها حیوان نباشد (۱۷).

آگاهی زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی مرتبط است (احمدیان و حقیقتیان ۵۷). در منگی، ضرورت حفظ محیط زیست برای نسل آینده به شکل گفتمان عدالت زیست‌محیطی مطرح میشود.

شخصیت‌ها در این رمان به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند:

۱. شخصیت‌هایی که در راستای تخریب زمین گام برمی‌دارند. این شخصیت‌ها منافع مادی خود را بر طبیعت و محیط‌زیست ترجیح می‌دهند. گاهی بدون حضور فقط ردپای شخصیت‌های ضد محیط‌زیست در رمان مشهود است.

۲. شخصیت‌های خنثی که اهمیتی برای محیط‌زیست قائل نیستند.
 ۳. شخصیت‌های بوم‌محور که ادوارد ویلسون^۱ از آنها به‌عنوان شخصیت‌های طبیعت باره^۲ یاد می‌کند. این شخصیت‌ها مهربان و کارآمد هستند و در هر حال از محیط‌زیست حفاظت می‌کنند (شونچه ۲۰۱۵، ۳۶).

در رمان منگی دسته اول در قالب فردی به نام «رئیس کوچولو» و بعضی کارکنان کشتارگاه مشاهده می‌شود. افرادی که با سنگدلی، جان حیوانات را می‌گیرند و این عمل نه‌فقط برای معیشت بلکه برایشان نوعی سرگرمی و لذت است: «همکارهایی دارم که همیشه آرزو داشته‌ان با حیوان‌ها سروکار داشته باشن، این تو خون‌شونه، ذوق این کارو دارن. همون پسرهایی که حتی قبل اینکه راه رفتن یاد بگیرن پاهای ملخ‌ها رو می‌کندن، با نیم‌وجب قد، گنجشک‌ها رو با تیروکمون می‌زدن. تو نوجوونی، با خودشون ور نمی‌رفتن، بیشتر دوست‌داشتن سر گربه‌ها رو بیرن. امروز، اون‌ها حسابی شکوفا شدن و کارشون رو با همه طلاهای دنیا هم عوض نمی‌کنن» (اگلوب، ۱۶).
 در منگی، خصوصیت حیوان‌آزاری آگاهانه در این افراد بارز شده است: «کندن پای ملخ‌ها»، «گنجشک‌ها را با تیروکمون می‌زدن» یا «سر گربه‌ها رو بیرن» (۱۶).

دسته دوم در قالب شخصیتی به نام «بورچ» نمود خارجی دارند. بورچ انسانی بی‌احساس است که موضع‌گیری خاصی نسبت به طبیعت ندارد. در کشتارگاه کار می‌کند اما دغدغه تغییر شغل ندارد. برخلاف راوی که همواره به دنبال فرار از شغل آزاردهنده‌اش است، بورچ به هر شرایطی عادت می‌کند و همه‌چیز را طبیعی می‌داند و تهدیدات زیست‌محیطی را نمی‌بیند یا دغدغه‌ای از این بابت ندارد. هنگامی که راوی تلاش دارد تا زیبایی طبیعت را به بورچ نشان دهد با بی‌تفاوتی از طرف او روبرو است (۵۷).

راوی در دسته سوم این طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. راوی نه از محیطی که در آن نفس می‌کشد و زیست می‌کند راضی است و نه از محیطی که در آن مشغول به کار است. او به زیبایی‌های کوچک طبیعت توجه دارد (۵۷) و همواره سودای ترک محیط کشتارگاه را دارد. شخصیتی که در عین حال که مجبور به کار در کشتارگاه است، تفریح و سرگرمی‌اش باز یافت زباله‌ها و استفاده دوباره از آنها و تولید لوازم جدید از قطعات باز یافتی است: «بهش میگم این جوریه، اگه یه کم دیگه صبر کنه، همین روزها یه ماشین خوشگل هم خواهیم داشت، وقتی همه‌ی قطعاتش رو پیدا کنم» (۵۱). گفتمان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در روایت راوی مشاهده می‌گردد.

^۱ Edward Wilson

^۲ Biophilie

نقش واژگان در آموزش و بینش زیست‌محیطی و تولید گفتمان توسعه‌ی پایدار نیز قابل بررسی است. به‌منظور نهادینه شدن احترام به محیط‌زیست در حافظه‌ی جمعی انسانها، باید آموزش مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را در ابعاد گوناگون زندگی بسط داد. ادبیات زیست‌محیطی با آگاهی دادن به بشر، سعی بر افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تبدیل آن به یک باور ذهنی است.

فرهنگ‌سازی مؤثرترین روش برای افزایش حس مسئولیت‌پذیری در قبال محیط‌زیست است که به تقویت رفتارهای مثبت اجتماعی منجر خواهد شد. رابطه انسان با محیط‌زیست از ارزش‌های فرهنگی سرچشمه می‌گیرد (شولتز و زلی ۲۵۶) برای رهایی از مشکلات زیست‌محیطی، انسان باید نظام ارزشی خود را دوباره ارزیابی کند (سیلوا ۲۵۹).

در رمان منگی، اصلاح رفتارهای اجتماعی از طریق گفتمان مخاطره و تصاویر آخرالزمانی انجام می‌گیرد. ترسیم زندگی هولناک در محیطی که به‌شدت آسیب‌دیده می‌تواند به آهسته شدن روند نابودی و چه‌بسا توقف آن کمک کند. در این رمان، هم‌نشینی واژگان برای به تصویر کشیدن پیش‌پافتاده‌ترین موضوعات همچون خم شدن برای برداشتن زباله از روی زمین، صرفه‌جویی در کاغذ، خودداری از مصرف بی‌رویه، نقش آموزش حفاظت از محیط زیست دارد و مسیر توسعه‌ی پایدار را فراهم می‌کند. آگاهی‌دهی و القای حس مسئولیت‌پذیری در قالب این رمان سعی در فرهنگ‌سازی در جهت حفظ محیط‌زیست دارد.

در تحلیل رمان منگی در سطح توصیف مشاهده شد که زبان این رمان همچون زنگ خطری به صدا درمی‌آید و سعی بر بیدار کردن تمام انسانهایی دارد که نسبت به این بحران بی‌تفاوت‌اند و یا آن را جدی نمی‌گیرند. در واقع، در سطح توصیف، زبان رمان منگی به تغییر چرخه‌ی طبیعت اشاره دارد و در پی هشدار است در برابر تهدیدی که حیات موجودات زنده را به خطر می‌اندازد. زبان به کمک نویسنده می‌آید تا گفتمان آموزش و اخلاق محیط‌زیست را نیز بسط دهد و نسبت به بحران پیش‌رو، انسان‌ها را آگاه سازد. واژگان فراوانی به آلودگی آب، هوا، خاک و نابودی حیات طبیعی اشاره داشتند که باهدف برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری نسبت به طبیعت به کار گرفته شده‌اند و در پی تبدیل انسان بی‌تفاوت به انسان مسئولیت‌پذیر نسبت به محیط‌زیست می‌باشند، این امر با تلاش‌های راوی برای جلب توجه بورچ به شگفتی‌های طبیعت و یا اشاره مداوم به آلودگی هوا همراه شده‌است: «وقتی باد از غرب می‌آید، بیشتر بوی تخم مرغ گندیده می‌وزه، مثل بوی گوگرد که گلمون رو می‌زنه. وقتی از شمال می‌آید، دودهای سیاه به راست می‌آن رو سرمون. و وقتی باد جنوب بلند میشه، که کم برامون پیش می‌آید، واقعا بوی گه می‌ده، هیچ جور دیگه نمی‌شه گفت» (اگلوب ۹). می‌توان بازنمود زبانی این بحران را در بیان انواع آلودگی اینگونه خلاصه کرد: آلودگی هوا، آب، خاک و انواع بیماری‌های ناشی

از آن، تغییر در سلامت جسمی و روحی افراد، کشتار حیوانات، تغییر منفی در وضعیت گونه‌های گیاهی و جانوری. همچنین در این رمان گفتمان مخاطره، تخریب محیط‌زیست و آلودگی و نقش منفی توسعه‌ی صنعت و تکنولوژی در جامعه‌ی صنعتی بارز شده‌است.

اما در کنار تمام واژگانی که تصاویر آخرالزمانی در مقابل چشمانمان ترسیم می‌کند، واژگان مثبت اندکی در جهت امیدواری به آینده‌ای سبز دیده می‌شود. استعمال واژگانی که بار منفی دارند نیز باهدف هشدار به افراد بی‌توجه است تا قدمی درزمینه ارتقا فرهنگ محیط‌زیست بردارد. بافت اثر مربوط به جامعه معاصر و بحرانهایی است که جامعه مصرف‌گرا را تهدید می‌کند.

اما بازتاب گفتمانهای زیست‌محیطی در ادبیات معاصر فرانسه تا چه اندازه با اثر مورد مطالعه در این پژوهش هم‌راستا است؟ در سطح تفسیر، از گفتمانهای موازی در آثار ادبی برای مطالعه بهره می‌جوییم. در سطح تفسیر، تحلیل‌گر می‌تواند از دانش فرامتنی خود بهره ببرد و به درک بهتر گفتمان زیست‌محیطی موجود در اثر مورد مطالعه کمک نماید. در این پژوهش، تحلیل‌گران در چارچوب مطالعه فرامتن به ادبیات معاصر فرانسه با مضمون زیست‌محیطی توجه خواهند نمود و گفتمان زیست‌محیطی در چند اثر در ادبیات معاصر فرانسه بررسی خواهند کرد. به عنوان مثال، در حوزه ادبیات معاصر فرانسه با مضمون زیست‌محیطی، امانوئل پاگانو^۱، در سه گانه *سواحل آبی*^۲ (پاگانو ۲۰۱۵) بازتابی از مسائل زیست‌محیطی را از طریق نقش آب در تعامل انسان/محیط‌زیست در مقابل چشمان ما قرار می‌دهد. او در تنها *مجاوران نجات یافته سواحل آبی*^۳ (پاگانو ۲۰۱۷) به تاکستانهای پدربزرگش اشاره دارد که قهرمان داستان، فقط از طریق عکس، آنها را دیده چرا که در حال حاضر این زمین‌ها در زیر آب قرار گرفته‌اند. در عکس از تاکستان که در زمان برداشت انگورها گرفته شده، مادر راوی را می‌بینیم که با شکمی گرد، آبستن نوزادی است که به زودی دنیا خواهد آمد. اما تاکستانهای، درست زمانی که کیسه آب مادر پاره می‌شود، در زیر آب غرق می‌شوند. این رمان با گفتمان مخاطره و با به تصویر کشیدن نابودی و زیر آب رفتن زمین‌های کشاورزی، بی‌توجهی به تغییرات اقلیمی و آینده دهشتناک نسل بشر را به تصویر می‌کشد. گفتمان مخاطره در این رمان، نقش آگاه‌سازی را به عهده دارد و نشان می‌دهد که در صورت بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی، زندگی نسل آینده با چه تهدیدهایی روبرو است.

^۱ Emmanuelle Pagano (born 1969)

^۲ *Trilogie des rives*

^۳ *Saufs Riverains*

در رمان دیگری با عنوان شیانلو^۱، اثر سرژ ژنکور^۲ (۲۰۱۸)، ماجراجویی یک زوج، فرانک^۳ و لیز^۴ در یک تعطیلات تابستانی محور اصلی رمان است تا تاثیر منفی جنگ بر محیط‌زیست و جایگاه حیوانات در چرخه‌ی طبیعت را یادآوری نماید. این زوج تصمیم می‌گیرند تا تعطیلات تابستان را در منطقه‌ای که در نقشه‌ها نشانی از آن نمی‌بینیم و خارج از شبکه‌های ارتباطی است، سپری کنند. از خلال داستان درمی‌یابیم که در گذشته در زمان جنگ جهانی اول، در این منطقه، یک آلمانی که رام‌کننده حیوانات وحشی بوده، زندگی می‌کرده‌است. داستان تاثیر منفی جنگ بر حیوانات را نشان می‌دهد و طبیعتی که هر لحظه می‌تواند چهره‌ای خشن در اثر آسیب‌هایی که به آن وارد شده، از خود نشان دهد. در این رمان نیز، گفتمان زوپوتیک با گفتمان جنگ همراه می‌شود تا گفتمان مخاطره بوم‌محور را برای انسان معاصر بارز نماید.

و اما در رمان خیال باطل^۵ اثر نویسنده فرانسوی پیریر^۶ (۲۰۱۹)، که در گونه علمی-تخیلی جای دارد، مضمون اصلی دستکاری و تغییر در ژن‌های جانداران است. در این رمان بریژیت^۷ از طریق پست، توله سگی به نام آلیستر^۸ را دریافت می‌کند، این توله به تدریج که بزرگتر می‌شود به موجودی تبدیل می‌شود که نیمه سگ و نیمه انسان است. این موجود در بعد انسانی، به‌مثابه نوجوانی است که از نظر احساسی درهم ریخته است، ولی در عین حال سخنوری است که اطلاعات چشمگیری در زمینه پویانمایی ژاپنی دارد. در این رمان نیز در نهایت شاهد گفتمان مخاطره بوم‌محور از خلال تغییرات و دستکاری ژنتیکی می‌باشیم. موجود خیالی تلنگری نیز به حیوانات در معرض انقراض هستند. تفاوت این رمان با سایر موارد مورد مطالعه، استفاده از طنز و وقایع خیالی و به ظاهر دور از واقعیت، برای نشان دادن تهدیدهای زیست‌محیطی است. این دنیای خیالی نشان می‌دهد که جامعه دچار بی‌معنایی شده‌است و به همین دلیل خطر تخریب محیط‌زیست وجود دارد. دستکاری ژنتیکی تا جایی در این رمان پیش می‌رود که از طریق تغییر ژنتیکی یک باکتری و پرده‌برداری از کد حیاتی آن، یک شعر

^۱ Chien-Loup

^۲ Serge Joncour (born 1961)

^۳ Franck

^۴ Lise

^۵ Chimère

^۶ Emmanuelle Pireyre (born 1969)

^۷ Brigitte

^۸ Alistair

جدید خلق می‌شود و این‌گونه ادبیات در این رمان به عنوان فرهنگ تولید معنا می‌کند و خلاقیت ادبی نقش‌گشایش به جهان‌هستی و درک رمز آن را ایفا می‌کند. در این اثر، ادبیات و هنر نقش بیدارکننده و معناسازی را در جهان به عهده دارند. انسان، اخلاق را گم کرده و دچار آسیب در رابطه با دیگری (جهان‌هستی) شده‌است. حضور من در هستی در این رمان، معناآفرین می‌شود و امکان تبدیل به مای‌جمعی می‌یابد، راه نجات نسل آینده این است که با ادبیات و هنر به معنا نزدیک شویم. این نویسنده از جامعه‌ی مدرن به دنیای خیالی پناه می‌برد تا با نشان دادن قدرت ادبیات و بهره از زبان ادبی و طنز، آسیب وارده از طریق «ارگانسیم‌های اصلاح‌شده‌ی زنده»^۱ را نشان دهد. گفتمان بوم‌محور این اثر علی‌رغم استفاده از طنز و تخیل، گفتمان مخاطره‌آمیز است.

مشاهده شد که در ادبیات زیست‌محیطی معاصر فرانسه، گفتمان غالب، همانند گفتمان رمان منگی، گفتمان مخاطره‌آمیز است. این گفتمان به عواقب توسعه در جامعه‌ی مدرن اشاره دارد که حیات تمام موجودات زنده را تهدید می‌کند. علاقه‌ی شخصیت اول داستان منگی به طبیعت پاک و زندگی بدون خشونت نسبت به حیوانات، همچون یک رؤیا باقی می‌ماند.

در سطح تبیین در رمان منگی به بافت و قوانین کشور توجه داریم. فرانسه کشوری اروپایی، پیشرو در حوزه قانون‌گذاری و حفاظت از محیط‌زیست است، این کشور همراه با سیاست‌های تشویقی، به منظور حفاظت از محیط‌زیست با مجازات‌های بازدارنده از ارتکاب جرایم زیست‌محیطی جلوگیری می‌کند و به توسعه پایدار، توجه فراوانی نشان می‌دهد. وزارت محیط‌زیست در فرانسه در زمان ریاست جمهوری ژرژ پومپیدو^۲ در سال ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت. پومپیدو که سعی در پیشرفت صنعتی کشور داشت، این وزارت را ایجاد کرد تا در کنار پیشرفت صنعتی و تبعات آن، اهداف حفاظت از محیط‌زیست با ترویج اخلاق زیست‌محیطی دنبال شود (لاکروا و زکیی ۲۰۶).

در توسعه سیاست‌های محیط‌زیستی، کشور فرانسه به تدریج به جنبه اکوگلوبال و جهانی مسائل محیط‌زیست توجه نشان داد و مرزهای جغرافیایی مطالعات زیست‌محیطی به کل دنیا و جهان‌هستی بسط داده‌شد. سیاست‌های محیط‌زیستی کشور فرانسه به متغیرهای بسیاری مانند اقتصاد، توسعه صنعتی، توسعه پایدار در سطح ملی و جهانی متمرکز شد و تلاش برای جلوگیری از تخریب و فرسایش منابع طبیعی جهان‌هستی، با تأکید بر حق بهره‌مندی جمعی از منابع طبیعی با توجه به نسل امروز و فردا در اصول سیاست‌گذاری و قوانین کشور فرانسه، مورد توجه قرار گرفت (لاکروا و زکیی ۲۰۶).

^۱ OGM

^۲ Georges Pompidou

تصاویر تخریب محیط‌زیست در رمان منگی گواهی بر وخامت اوضاع زیست محیطی در جامعه‌ی مدرن امروز دارد و نویسنده در این رمان با بهره از گفتمان مخاطره، ضعف گفتمان حفاظت از محیط‌زیست بشری را در جامعه‌ی معاصر آشکار می‌سازد. مطالعات حاکم بر مذاکرات سیاست زیست محیطی در قرن معاصر در سطح دولت فرانسه و اروپا نشان از گفتمانهای مختلفی دارد که بر روند مذاکرات سیاسی کشورهای اروپایی حاکم است. این مذاکرات گفتمان عدالت محیط‌زیستی، گفتمان حفاظت از محیط‌زیست، گفتمان مخاطره و گفتمان نوسازی را در روند سیاست گذاری‌های کشورهای اروپایی در طی قرن حاضر نشان می‌دهند (برتراند و فورنیه).

گفتمانهای زیست محیطی اروپا در راستای سیاست‌های کشور فرانسه قرار دارد و بیانگر این است که کنشگران در راستای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست قدم برمی‌دارند. در گفتمان نوسازی، با به قدرت رسیدن حزب سبز در فرانسه، روند سیاست‌گذاری دولت فرانسه، محیط‌زیست را در اولویت سیاست‌های این کشور قرار داد. گفتمان عدالت زیست محیطی در فرانسه و اروپا، در جهت حمایت از محیط‌زیست، بحث عدالت زیست محیطی را در جهان مطرح می‌کند و هوای سالم و محیط‌زیست سالم را حق بشر و نسل آینده می‌داند (همان).

هر چند تاکنون در گفتمانهای نظام‌های سرمایه‌داری دنیا، شاهد تشویق به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی بودیم که آسیب زیست محیطی به دنبال داشت، اما گفتمان جدیدی در اتحادیه اروپا در این خصوص شکل گرفت که به دنبال بهره‌برداری مفید از نظام سرمایه‌داری در جهت حفظ محیط‌زیست می‌باشد (بوادین و روسو).

در رمان منگی، گفتمان مخاطره، گفتمان غالب است و گفتمان حفاظت از محیط‌زیست، به مثابه گفتمان فراموش شده بشری نشان داده می‌شود بحرانهای زیست محیطی و انواع آلودگی در جامعه‌ی مصرف‌گرا، حیوانات و انسانها در معرض نابودی، لزوم حرکت به سوی گفتمان توسعه‌ی پایدار از طریق آموزش اخلاق زیست محیطی را بارز می‌نماید. گفتمان موجود در رمان با سیاست‌های جاری در جامعه همخوانی دارد و هدف نشان دادن ضعف حفاظت از محیط‌زیست در سطح جهانی است.

رمان منگی نشان می‌دهد که بشر در عصر توسعه صنعتی و تکنولوژی، دچار ابزارزدگی شده‌است و ابزارها بر انسان مسلط شده‌اند و این امر باعث شده تا انسان مدرن دچار خسران معنایی شود. خروج از این ابزارزدگی از طریق جستجوی معنا در هستی، امکان‌پذیر است و حرکت به سوی این معنای گریزان، فقط در پیوند با جهان هستی در سایه اخلاق زیست محیطی حاصل می‌شود. علم و تکنولوژی باید رسالت خود را به هنر و ادبیات بسپارد تا جوهر و معنایی که در علم و تکنولوژی نهفته است، آشکار شود. رسالت ادبیات معاصر فرانسه، کمک به رشد توسعه پایدار در سطح جهانی است. انسان پیوند

ناگسستگی با طبیعت دارد و در قبال آن مسئول است، ادبیات زیست‌محور، به رواج تفکر توسعه پایدار کمک می‌کند که در این اثر با سیاست‌های کشور فرانسه هم‌راستا می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به‌واسطه‌ی خوانش انتقادی رمان منگی نوشته اگلوب تلاش کردیم تا این اثر را بر اساس الگوی گفتمانی فرکلاف تحلیل کنیم. نتایج نشان داد که شخصیت اول داستان، فردی با احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال محیط‌زیست است، مشاهده شد که او علی‌رغم میل و علاقه‌اش به طبیعت پاک، به‌سان میلیون‌ها انسان دیگر محکوم به زندگی در حومه‌ی شهری بزرگ و صنعتی است و بیشتر ساعات عمر خویش را در محل کار خود یعنی کشتارگاه سپری می‌کند. بررسی گفتمانها نشان داد که این اثر بازتابی است از انواع گفتمان مخاطره با مضمون آلودگی، نابودی فضای سبز، تغییرات آب و هوایی و گرمای خفه‌کننده و نفس‌گیری که نه تنها طرح زندگی بی‌روح راوی را ترسیم می‌کند بلکه نشان از قطع پیوند سالم بین انسان و محیط‌زیست دارد، منگی شرح زندگانی انسانی در ناکجاآباد است که تراژدی تلخ آینده‌ی زمین را ترسیم می‌کند. مطالعه و بررسی نقد محور در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان از گفتمان مخاطره به‌عنوان گفتمان غالب رمان داشت.

هم‌نشینی واژگان مربوط به مرگ و نیستی نشان از سرنوشت دهشتناک انسان روی کره‌ی زمین داشت که انسان، خود، مسبب آن است. انسانی که با بهانه‌ی توسعه، پیشرفت و مدرنیسم و دخل و تصرف بی‌رویه در طبیعت و منابع طبیعی خود کم‌ر به از بین بردن محل زندگی و محیط‌زیست خود بسته‌است. تضادها در ایجاد گفتمان دوستدار محیط‌زیست در کنار گفتمان تخریب محیط‌زیستی، نشان داد که داستان اگلوب گرچه محزون‌کننده است اما اشاره به آرمان‌شهر بشری دارد، چراکه علاقه‌ی شخصیت اول داستان به طبیعت پاک و زندگی بدون خشونت نسبت به حیوانات، همچون یک رؤیا در آرزوهای او باقی می‌ماند. همچنین در رابطه بین‌نسلی با محیط زیست، راوی بی‌نام گرچه معرف نسل حال شمرده شد، اما آینده بشر را در مقابل ما به تصویر کشید. همچنین گفتمان توسعه‌ی صنعتی نشان داد که علم و فناوری طناب داری بر گردن بشر افکنده و طبیعت قربانی مطامع سودجویانه‌ی انسانها گردیده‌است. بر اساس میزان فاصله انسان با محیط‌زیست، شاهد ظهور گفتمانهای متناقضی در رمان بودیم که از یکسو فاصله زیاد بین انسان و طبیعت و تخریب محیط زیست را با گفتمان مخاطره نشان داد و پیوند انسان با محیط‌زیست به شکل ادراکی، گفتمان صلح، دوستی و آرامش انسان در محیط‌زیست را هر چند اندک، برجسته نمود. گفتمان مخاطره تاثیر فاصله بین انسان و محیط‌زیست و نابودی آنها را به تصویر می‌کشید. مشاهده شد که این رمان با گفتمان بوم‌محور در جهت ارتقای آگاهی به جامعه در رابطه با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی قدم بر می‌دارد. آگاهی برای این انسان بدون درد حاصل

نمی‌شود، پیام رمان، گفتمان مخاطره است و ادبیات بستر جستجوی معنا برای ممکن‌های بعدی در مسیر نجات آینده بشر است.

References

- Ahmadian, Daryoush, and Mansour Haghghatian. "Sociological Analysis of the Role of Cultural Factors on the Studied Urban Environmental Behaviors (Citizens of Kermanshah)". *Urban Sociological Studies*, vol.18(1395/2016): 51-76.
- Bertrand, François, and Marie Fournier. "Les politiques Européennes d'environnement et l'aménagement des territoires 2009". 103-120, (Consulté le 21 Mai 2021), https://www.researchgate.net/publication/290458750_Les_politiques_europeennes_d%27environnement_et_l%27amenagement_des_territoires.
- Benhaïm, André, and Anne Simon. *Zoopoétique : des Animaux en littérature moderne de langue Française*. Septentrion Presses Universitaires Diffusion, 2018.
- Blanc, Nathalie, et al. "Littérature & écologie : vers une éco-poétique". *Ecologie Politique*, vol. 2 (2008) : 5-28 (revue électronique), (Consulté le 10 février 2020), Available at : <https://www.cairn.info/revue-ecologie-et-politique1-2008-2-page-15.htm>
- Boidin, Bruno, and Sandrine Rousseau. "Quelle transition vers un capitalisme soutenable ? ". *Revue Française de socio-Economie*, (2) : 187-204, 2011, (Consulté le 21 mai 2021), Available at : <https://www.cairn.info/revue-francaise-de-socio-economie-2011-2-page-187.htm>
- Buell, Lawrence. *Writing for an Endangered World. Literature, Culture, and Environment in the U.S. and Beyond*. Cambridge, Harvard Université Presse, 2001.

Da Silva, Lily. “The Buddhist Attitude Towards Nature”. *Environmental Ethics: Readings in Theory and Application*, 2001. 256-260.

Defraeye, Julien. “Perspectives éco-poétiques dans le récit québécois contemporain”. University of Waterloo, 2019, Thesis, (Consulté le 10 février 2020), Available at: https://uwspace.uwaterloo.ca/bitstream/handle/10012/14689/Defraeye_Ju_lieu.pdf?sequence=5&isAllowed=y.

Egloff, Joël. *L'Etourdissement*. Translated by A. Nouri. 7th Edition. Tehran, Ofogh, 1397/2018.

Fairclough, Norman. *Discourse and Social Change*. Cambridge, Polity Press, 1992.

---. “Discourse, Social Theory, and Social Research: The Discourse of Welfare Reform”. *Journal of Sociolinguistics*, vol. 4, no. 2(2000): 163-195.

Ghajari, Hosseinali, and Javad Nazari. *Karborde Tahlile Gofman dar Tahghigate Ejtemai [Undertaking Discourse Analysis for Social Research]*. 1st Edition. Tehran, Jameeshenasan, 1392/2013.

Hejazi, Nosrat, and Marziyeh Meshgini. “Comparative Study on The Little Prince and Animals Farm, according to Claude Duche’s Sociocritical Model”. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 26, no.1 (1400/2021): 110-142.

Joncour, Serge. *Chien-Loup*. Paris, Flammarion, 2018.

Lacroix, Valérie., and Edwin. Zaccai. “Quarante ans de politique environnementale en France : évolutions, avancées, constante”. *Revue Française d'administration publique*, 2 (2010) : 205-232.

Marandi, Seyed Mohammad, et al. “Landscape, Scientific Realism and Climate Change in Ian McEwan’s Solar”. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 26, no.1 (1400/2021): 244-275.

- Moniri, Effatossadat, and Maryam Hosseini. "The Study of World Life in Natalia Ginsburg Works According to the Theories of Habermas". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 19, no.1 (1393/2014): 145-162.
- Pagano, Emmanuelle. *Trilogie des rives, I : Ligne et Fils*. Paris, P.O.L, 2015. ---., *Trilogie des rives, II : Saufs Riverains*. Paris, P.O.L, 2017.**
- Parsapour, Zahra. *Ecocriticism*. Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies, 1392/2013.**
- Pireyre, Emmanuelle. *Chimère*. Paris, Editions d'Olivier, 2019.**
- Rueckert, William. " Literature and Ecology: An Experiment in Ecocriticism". *Iowa Review*, vol. 9, no. 1 (1978): 71-86.**
- Sapir, Edward. "Language and Environment". *American Anthropologist*, vol. 14, no.2 (1912): 226-242.
- Schoentjes, Pierre. *Ce qui a lieu, Essai d'écopoétique*. Marseille, Wildproject Editions, 2015.**
- . *Littérature et écologie : le mur des abeilles*. José Corti, 2020.**
- Schultz, P. Wesley, and Lynnette Zelezny. "Values as Predictors of Environmental Attitudes: Evidence for Consistency Across 14 Countries ". *Journal of Environmental Psychology*, vol. 19 (1999): 255-265.**
- Simon, Anne. "Du peuplement animal au naufrage de l'Arche : La littérature entre zoopoétique et zoopoéthique ". *L'esprit créateur*, vol. 57, no.1 (2017) : 83-98.**
- Suberchicot, Alain. *Littérature et environnement Pour une écocritique compare*. Paris, Honoré Champion, 2012.**
- Tellier, Honorine. "Self /écopoétique et études animales littéraires". *Sorbonne nouvelle*, (revue électronique), (Consulté le 26. Février 2018), Available at: <https://animots.hypotheses.org/4506>.**